تحلیل

بی‌ثباتی بازار نفت در پی نگرانی‌ها درباره اختلال عرضه

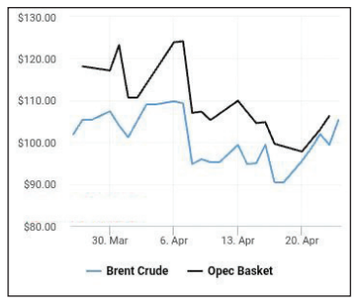

بازار نفت در پی ارزیابی معامله‌گران از اختلال عرضه به‌دلیل تشدید تنش‌های خاورمیانه در مقابل احتمال از سرگیری مذاکرات ایران و امریکا، پرنوسان بود. قیمت‌ها در ساعات اولیه معامله‌های روز جمعه (چهارم اردیبهشت) به‌دلیل نگرانی از تشدید دوباره درگیری‌های نظامی در منطقه غرب آسیا و ادامه اختلال تردد از تنگه هرمز ۲ درصد افزایش یافت، اما پس از خبر سه منبع پاکستانی درباره سفر احتمالی عباس عراقچی، وزیر امور خارجه به اسلام‌آباد قیمت‌ها کاهش یافت.

قیمت نفت خام شاخص برنت دریای شمال تا ساعت ۱۳ و ۲۱ دقیقه به‌وقت گرینویچ با ۲۹ سنت یا حدود ۰.۳ درصد کاهش به ۱۰۴ دلار و ۷۸ سنت به‌ازای هر بشکه رسید.

در همین حال، قیمت نفت خام شاخص دابلیوتی‌آی امریکا با یک دلار یا حدود ۱.۱ درصد افت، ۹۴ دلار و ۸۳ سنت به‌ازای هر بشکه داد و ستد شد. اوله هانسن، تحلیلگر ساکسوبانک، در یادداشتی نوشت: اختلال تردد از تنگه هرمز چالش لجستیکی پیچیده ایجاد کرده است که حل آن زمانبر خواهد بود، جبران عقب‌ماندگی در برنامه‌های حمل محموله‌های نفت و گاز هفته‌ها طول خواهد کشید، زیرا کشتی‌ها از طریق بنادری که خود در شرایطی محدود فعالیت دارند، به ترتیب حرکت می‌کنند. تاماس وارگا از کارگزاری نفت موسسه پی‌وی‌ام (PVM) در این باره گفت: در حالی که عوامل بنیادی همچنان حمایتی هستند، معامله‌گران در آستانه هفته‌ای غیرمعمول و غیرقابل پیش‌بینی، در حال متوقف کردن سفارش‌ها هستند و شامگاه یکشنبه (ششم اردیبهشت) براساس تحولات مربوط به مذاکرات ایران و امریکا، دوباره تصمیم می‌گیرند. در طول این هفته، نفت خام شاخص برنت حدود ۱۶ درصد و دابلیوتی‌آی ۱۴ درصد افزایش قیمت داشته‌اند که دومین افزایش شدید هفتگی از زمان آغاز جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران است. دونالد ترامپ، رییس جمهوری امریکا روز چهارشنبه (دوم اردیبهشت)، مدعی شد که آتش‌بس را به‌طور نامحدود و با هدف فراهم شدن امکان مذاکرات تمدید می‌کند. شرکت هایتونگ فیوچرز در گزارشی اعلام کرد که اگر مذاکرات ایران و امریکا تا پایان آوریل پیشرفتی نداشته باشد و درگیری‌های نظامی از سر گرفته شود، قیمت نفت می‌تواند به بالاترین حد خود در سال جاری میلادی برسد. سوزانا استریتر، استراتژیست ارشد سرمایه‌گذاری در واحد سرمایه‌گذاری موسسه ولث کلاب انگلیس، در این باره گفت: باتوجه به اختلال در حمل محموله‌های کلیدی از تنگه هرمز، مشکلات مالی تازه‌ای رخ خواهد داد که این موضوع باعث افزایش هزینه برای طیف وسیعی از کالاها می‌شود.

خبر

روسیه ابتکار تازه‌ای در اوپک پلاس ندارد

سخنگوی کاخ کرملین اعلام کرد که عرضه نفت روسیه پایدار خواهد بود، اما هیچ ابتکار تازه‌ای در ائتلاف اوپک پلاس ندارد. به گزارش مهر به نقل از رویترز، دمیتری پسکوف در یک گفت‌وگوی تلفنی روزانه با خبرنگاران اعلام کرد که روسیه جریان نفت خود را به بازارهای جهانی حفظ می‌کند، اما ابتکار خاصی برای ارایه در ائتلاف تولیدکنندگان عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) و متحدانش (اوپک پلاس) ندارد. وی با تأکید بر اینکه روسیه به عرضه نفت خود ادامه می‌دهد، افزود: ما به مسوولیت خود در تثبیت قیمت‌ها و به حداقل رساندن پیامدهای بحران جهانی انرژی متعهدیم. سخنگوی کاخ کرملین تصریح کرد: تقاضا در حال رشد است، در حالی که مقدار عرضه نفت در بازار نه‌تنها روند افزایشی ندارد، بلکه برعکس، کاهش می‌یابد. اکنون هیچ ابتکار دیگری در دستور کار نیست. براساس اعلام آژانس بین‌المللی انرژی، در پی افزایش قیمت نفت و در نتیجه رشد تورم به‌دلیل پیامدهای جنگ علیه ایران، جهان بدترین بحران انرژی تاکنون را تجربه می‌کند. در سال‌های اخیر، هشت عضو این ائتلاف با کاهش عرضه داوطلبانه در کنار کاهش تولید گروهی به‌دنبال ثبات‌بخشی به بازارهای جهانی بوده‌اند. این هشت کشور از سال ۲۰۲۵ به‌منظور احیای سهم بازار، لغو کاهش عرضه داوطلبانه را آغاز کرده‌اند. هشت عضو اوپک پلاس در تازه‌ترین نشست ماهانه خود (۱۶ فروردین) برای حمایت از ثبات بازار نفت تصمیم گرفتند ۲۰۶ هزار بشکه از کاهش عرضه داوطلبانه روزانه یک میلیون و ۶۵۰ هزار بشکه‌ای را که در آوریل ۲۰۲۳ اعلام شده بود، لغو کنند. این تصمیم تا حد زیادی روی کاغذ است، زیرا اعضای اصلی آن به‌دلیل جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران قادر به افزایش تولید نیستند و حتی با کاهش تولید قابل توجهی روبه‌رو شده‌اند. هشت عضو اوپک پلاس تصمیم گرفته‌اند سوم مه ۲۰۲۶ (یکشنبه، ۱۳ اردیبهشت) گردهم آیند.

گزارش «تعادل» از تبدیل شدن نقطه عطف تقاضای جهانی نفت در سال ۲۰۲۶

سال سخت نفت!

در حالی که جهان هنوز زیر سایه جنگ گسترده امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران با تبعات ژئوپلیتیک و اختلال‌های انرژی دست‌وپنجه نرم می‌کند، یکی از بزرگ‌ترین موسسات پایش انرژی جهان چشم‌اندازی نگران‌کننده برای آینده تقاضای نفت ترسیم کرده است. کاهش ۷۰۰ هزار بشکه‌ای برآورد مصرف جهانی در سال ۲۰۲۶، صرفاً یک عدد تازه در گزارش‌های تحلیلی نیست؛ بلکه نشانه‌ای است از ورود بازار نفت به دوره‌ای جدید، دوره‌ای که در آن ریسک‌های سیاسی، تحولات فناوری، تغییر الگوی مصرف و رفتار دولت‌ها بیش از گذشته بر سرنوشت انرژی تأثیر می‌گذارند.

این کاهش در پیش‌بینی، اختلاف کوچکی نیست. پیش از آغاز جنگ، تحلیلگران انتظار رشد روزانه یک میلیون و صد هزار بشکه‌ای تقاضا را داشتند، اما اکنون رقم تازه تنها ۴۰۰ هزار بشکه در روز است؛ یعنی تقریباً یک‌سوم آنچه بازار انتظار داشت. چنین بازنگری تندی، معمولاً فقط زمانی رخ می‌دهد که ساختار عرضه و تقاضا تحت فشار شوکی بزرگ قرار گرفته باشد. جنگ اخیر و سلسله پیامدهای آن، دقیقاً همان شوک است. اگرچه طی چند سال گذشته بارها گفته شده که بازار نفت نسبت به اخبار سیاسی حساس است، اما جنگ اخیر ساختار این حساسیت را تغییر داده است. حالا دیگر مساله فقط افزایش ریسک ژئوپلیتیک یا بالا رفتن حق بیمه حمل‌ونقل نیست؛ بلکه بحران در «ضربان اصلی جریان انرژی جهان» است: تنگه هرمز.

اختلال تردد از این آبراه، که شریان حیاتی ۳۰ درصد تجارت نفت جهان است، به معنای آن است که عرضه در کوتاه‌مدت ناپایدار شده و بسیاری از پالایشگاه‌ها با محدودیت یا تأخیر در دریافت خوراک روبه‌رو هستند. مهم‌ترین نکته گزارش جدید آن است که «۱۷۸ پالایشگاه» - نزدیک به «۴۰ درصد از کل ظرفیت پالایشی جهان» - تحت‌تأثیر این محدودیت قرار گرفته‌اند. چنین رقمی نشان می‌دهد که مشکل مقطعی یا محدود نیست؛ بلکه یک اختلال ساختاری در زنجیره جهانی پالایش به‌وجود آمده است.

وقتی خوراک پالایشگاه‌ها با مشکل مواجه شود، گردش تولید فرآورده‌ها مختل می‌شود، برنامه‌ریزی انبارها به‌هم می‌ریزد و تجارت سوخت‌های کلیدی مثل گازوییل و سوخت جت دچار بی‌نظمی می‌شود. این همان اتفاقی است که اکنون افتاده: افزایش شدید قیمت این محصولات، در حالی که قیمت فیزیکی نفت خام برنت به واسطه آزادسازی ذخایر راهبردی توسط ژاپن، کره‌جنوبی و چند کشور دیگر کمی مهار شده است.

این آزادسازی ذخیره استراتژیک، اگرچه موقتاً التهاب را کاهش می‌دهد، اما از یک حقیقت مهم پرده برمی‌دارد بازار به مرحله‌ای رسیده که کشورهای مصرف‌کننده مجبورند سپر نهایی خود را وارد میدان کنند. پیش‌بینی S&P Global تنها بر افت تقاضای جهانی متمرکز نیست؛ بلکه به‌صورت منطقه‌ای نیز نشان می‌دهد که کدام مناطق ضربه سنگین‌تری می‌خورند. خاورمیانه و آسیا، یعنی دو منطقه‌ای که موتور اصلی رشد مصرف طی دو دهه اخیر بوده‌اند، در سه‌ماهه دوم سال جاری بیشترین کاهش تقاضا را تجربه خواهند کرد.

این تغییرات تنها محدود به فصل جاری نیست. وقتی یک اقتصاد وارد مسیر کاهش مصرف می‌شود، بازگشت آن به روند قبلی معمولاً زمان‌بر است. از همین رو، کاهش برآورد سال ۲۰۲۶، نشان‌دهنده تأثیر ماندگار جنگ بر پویایی بازار جهانی است. برای درک معنای واقعی کاهش ۷۰۰ هزار بشکه‌ای پیش‌بینی مصرف، باید به دو نکته توجه کرد: تقاضای نفت برخلاف قیمت، کم‌نوسان است. صنایع، حمل‌ونقل، و مصرف‌کنندگان نمی‌توانند یک‌شبه رفتارشان را تغییر دهند. به همین دلیل، هرگاه نهادی مانند S&P عدد تقاضا را دستخوش تغییر سنگین می‌کند، یعنی ساختار بازار به‌شدت تحت فشار است.

جنگ تنها عامل نیست تسریع روندهای قبلی است

پیش از جنگ نیز نشانه‌هایی از کند شدن رشد مصرف وجود داشت: افزایش خودروهای برقی، رشد انرژی‌های تجدیدپذیر، فشار دولت‌ها برای کاهش آلایندگی و بهبود بهره‌وری سوخت. اما جنگ، این روند کند را شتاب داد. وقتی نااطمینانی بر بازار سایه بیندازد، صنایع بزرگ به جای توسعه مصرف، به سمت کاهش ریسک حرکت می‌کنند. جنگ مسیر کاهش رشد تقاضا را کوتاه کرد و آن را جلو انداخت. یکی از مهم‌ترین بخش‌های گزارش، اشاره به اقدام چند کشور آسیایی برای آزادسازی ذخایر راهبردی نفت است؛ اقدامی که معمولاً فقط در شرایط اضطراری انجام می‌شود.

این سیاست دو پیام مهم دارد:

زیرا کشورها وقتی از ذخایر استراتژیک برداشت می‌کنند که واقعاً به سوخت نیاز دارند، نه وقتی که صرفاً قیمت بالا رفته است.

آزادسازی ذخیره به‌معنای کاهش سپر امنیت انرژی کشورهاست. پس اگر جنگ یا اختلال هرمز ادامه پیدا کند، فشار دوباره به بازار برخواهد گشت.

در واقع، استفاده از ذخایر مانند مصرف آب یک سد حیاتی در دوران خشکسالی است: برای امروز مفید است، اما اگر بارندگی در پیش نباشد، بحران بزرگ‌تری در انتظار خواهد بود.

اختلال در تنگه هرمز تنها مربوط به نفت خام نیست؛ پالایشگاه‌ها نیز اکنون در مرکز بحران قرار گرفته‌اند. در بازارهای انرژی، همیشه نخستین نشانه‌های بحران، در فرآورده‌های میان تقطیر مشاهده می‌شود؛ درست همان جایی که امروز اتفاق افتاده است.

چشم‌انداز ۲۰۲۶ سالی که تقاضا تغییر فاز می‌دهد؟

پرسش اصلی این است:

کاهش تقاضا در ۲۰۲۶ یک پدیده موقتی است یا آغازی برای نقطه عطف جدید در بازار نفت؟

سه سناریو پیش‌رو قرار دارد:

سناریو اول: بهبود سریع پس از حل بحران

اگر تنش‌ها کاهش یابد و تنگه هرمز به حالت عادی بازگردد، احتمالاً بخشی از افت مصرف جبران می‌شود و بازار به رشد ملایم برمی‌گردد.

کاهش ۷۰۰ هزار بشکه‌ای پیش‌بینی مصرف نفت در ۲۰۲۶، فراتر از یک رقم است؛ نشانه‌ای از ورود بازار به مرحله‌ای است که در آن هر رخداد ژئوپلیتیک، می‌تواند مسیر مصرف، تولید و قیمت‌ها را تغییر دهد. نفت همچنان انرژی شماره یک جهان است، اما دیگر آن اطمینان قدیمی را ندارد؛ بازار به‌شدت نوسانی‌تر، شکننده‌تر و پیچیده‌تر شده است.

و تقاضا بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر سیاست، جنگ و اختلال‌های حمل‌ونقل قرار دارد.

سال ۲۰۲۶ شاید سال کم‌مصرف‌تری برای نفت باشد، اما مهم‌تر از آن این است که احتمالاً «سال تغییر است» تغییری که شاید یکی از مهم‌ترین نقاط عطف انرژی در دهه اخیر باشد.

مدیر ارشد موسسه کپلر

سرگردانی روزانه ۱۶ میلیون بشکه نفت

مدیر ارشد تحلیل بازار نفت در موسسه کپلر گفت: پیش از درگیری‌ها، صادرات نفت و میعانات از خلیج‌فارس حدود ۱۶ میلیون بشکه در روز بود. اما پس از تشدید تنش‌ها، عبور نفت از تنگه تقریباً متوقف شده است. در عمل، تنها حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز نفت غیرایرانی توانسته از تنگه عبور کند که نشان‌دهنده شدت اختلال است. به گزارش ایلنا، جنگ‌طلبی و سیاست‌های امریکا و رژیم صهیونیستی نه تنها ایران بلکه بازار انرژی را در سراسر جهان با مخاطره مواجه کرده به نحوی که با اختلال در تردد نفتکش‌ها، نفت تا ۱۲۰ دلار در هر بشکه هم رسید و اکنون گسترش جنگ به تنگه هرمز شدیدترین چالش فیزیکی را در تاریخ صنعت نفت رقم زده و عرضه بیش از ۱۲ میلیون بشکه نفت را در روز متوقف کرده است. اوضاعی که طبق برآورد مدیر ارشد تحلیل بازار نفت در موسسه کپلر کاهش عرضه در مجموع به ۶۰۰ میلیون بشکه رسیده که معادل ۶ روز تقاضای جهانی است. او معتقد است: از دست رفتن این حجم از عرضه فیزیکی می‌تواند بازار را به‌شدت مختل کند. این تحلیلگر داده‌های انرژی در موسسه بین‌المللی کپلر پیش‌بینی می‌کند که اگر کاهش عرضه نفت از خاورمیانه تا پایان ماه می‌به حدود یک میلیارد بشکه برسد؛ تحمل این شرایط برای بازار بسیار دشوار خواهد بود. ارزیابی شما از وضعیت تنگه هرمز و تردد نفتکش‌ها بعد از جنگ اخیر امریکا و رژیم صهیونیستی با ایران چیست؟ در عمل تغییر زیادی رخ نداده است. اعلام ایران درباره بازگشایی کامل تنگه هرمز تاکنون به بهبود ملموسی در شرایط میدانی منجر نشده است. حتی اظهارات وزیر امور خارجه، آقای عراقچی، بعداً توسط برخی مقامات دیگر تا حدی نقض شد که خود نشان‌دهنده تداوم ابهام در این موضوع است. در حال حاضر کشتی‌ها همچنان مجبورند از کریدور تحت کنترل ایران در شمال جزیره لارک عبور کنند و این موضوع نیازمند اخذ مجوز از نیروهای سپاه است. این روند کند، محدودکننده و همراه با ریسک‌های بالای عملیاتی، حقوقی و اعتباری برای شرکت‌های کشتیرانی است. در روزهای اخیر تردد بسیار محدود بوده است. به‌طور متوسط تنها حدود ۳ کشتی در روز از خلیج‌فارس خارج شده‌اند، در حالی که قبل از درگیری‌ها این رقم برای نفتکش‌ها حدود ۲۰ تا ۲۵ فروند در روز بود. پیش از اعمال محاصره توسط امریکا، صادرات نفت ایران به‌صورت عادی انجام می‌شد، اما پس از آن به‌شدت کاهش یافته و تاکنون هیچ نفتکشی نتوانسته از محدوده محاصره عبور کند. تنها بین ۱۶ تا ۱۸ آوریل چهار نفتکش حامل نفت امارات و عربستان موفق به خروج شدند، اما پس از تشدید تنش‌ها در ۱۸ آوریل و حمله به نفتکش Sanmar Herald، هیچ نفتکش نفت خامی عبور نکرده است. محدودیت‌های عملیاتی در تنگه هرمز یکی از شدیدترین اختلال‌های فیزیکی تاریخ بازار نفت را رقم زده است. در واقع با یک شوک بزرگ عرضه مواجه هستیم که همزمان باعث گسست در ساختار قیمت‌گذاری جهانی نیز شده است. پیش از درگیری‌ها، صادرات نفت و میعانات از خلیج فارس حدود ۱۶ میلیون بشکه در روز بود، اما پس از تشدید تنش‌ها، عبور نفت از تنگه تقریباً متوقف شده است. در عمل، تنها حدود ۳۰۰ هزار بشکه در روز نفت غیرایرانی توانسته از تنگه عبور کند که نشان‌دهنده شدت اختلال است. بخشی از این کاهش از طریق مسیرهای جایگزین جبران شده است. عربستان صادرات خود از بندر ینبع در دریای سرخ را افزایش داده و امارات نیز صادرات از فجیره را بالا برده است. در مجموع، این مسیرهای جایگزین حدود ۳.۲ میلیون بشکه در روز از سوی عربستان و ۰.۶ میلیون بشکه در روز از سوی امارات به عرضه اضافه کرده‌اند اما این میزان همچنان فاصله زیادی با جبران کامل کاهش صادرات از مسیر هرمز دارد. در کنار این موارد، بسته شدن عملی این گلوگاه باعث شده بیش از ۱۲ میلیون بشکه در روز از عرضه نفت متوقف شود و همین موضوع قیمت برنت را در ماه مارس به حدود ۱۲۰ دلار رسانده است. برآورد ما این است که مجموع کاهش عرضه به حدود ۶۰۰ میلیون بشکه رسیده که معادل حدود ۶ روز تقاضای جهانی است. از سوی دیگر، تقاضا نیز کاهش یافته، به‌ویژه در میان پالایشگاه‌های آسیایی که وابستگی بالایی به نفت خلیج‌فارس دارند. یکی از ویژگی‌های مهم این بحران، فاصله قابل توجه بین بازار کاغذی و بازار فیزیکی است؛ به‌طوری که در حالی که برنت حدود ۱۲۰ دلار بود، قیمت نفت تحویلی در شرق آسیا به ۱۶۰ تا ۱۷۰ دلار رسید. پس از اعلام آتش‌بس، قیمت‌ها تا حدی کاهش یافته‌اند، زیرا بازار امیدوار است توافقی بین امریکا و ایران حاصل شود. اما اگر تنگه به‌زودی بازگشایی نشود، احتمال افزایش مجدد قیمت‌ها بسیار بالا خواهد بود. در صورت تداوم این وضعیت، فکر می‌کنید که بازار نفت چقدر تاب‌آوری داشته باشد؟

از دست رفتن این حجم از عرضه فیزیکی فشار بسیار زیادی به بازار وارد می‌کند. باتوجه به اینکه کاهش تجمعی عرضه به حدود ۶۰۰ میلیون بشکه رسیده، ادامه این وضعیت می‌تواند تعادل بازار را به‌شدت مختل کند. در صورت تداوم محدودیت در تنگه هرمز، هزینه‌های حمل‌ونقل، بیمه و برنامه‌ریزی پالایشگاه‌ها بابی‌ثباتی بیشتری مواجه خواهد شد. این تأثیر به‌صورت یکسان توزیع نشده است؛ کشورهای آسیایی به‌ویژه جنوب شرق آسیا و هند به‌دلیل وابستگی بالا و ذخایر کمتر، آسیب‌پذیرتر هستند، در حالی که چین، ژاپن و کره‌جنوبی تا حدی وضعیت بهتری دارند. در مجموع، ابزارهای محدودی برای مقابله با این شرایط وجود دارد. برخی کشورها اقداماتی برای کاهش مصرف یا حمایت از مصرف‌کنندگان انجام داده‌اند. آژانس بین‌المللی انرژی نیز آزادسازی ۴۰۰ میلیون بشکه از ذخایر راهبردی را آغاز کرده و ممکن است این رقم افزایش یابد. با این حال، اگر کاهش عرضه از خاورمیانه تا پایان ماه می‌به حدود یک میلیارد بشکه برسد، تحمل این شرایط برای بازار بسیار دشوار خواهد بود. تردد نفتکش‌ها همچنان بسیار محدود است. تعداد کشتی‌ها از حدود ۲۰ تا ۲۵ نفتکش در روز قبل از بحران، به حدود یک تا ۲ نفتکش در روز کاهش یافته است. اخیراً عبور نفتکش‌های حامل نفت امارات کمی افزایش یافته، اما در مجموع سطح تردد همچنان بسیار پایین است. صادرات نفت ایران پیش از محاصره امریکا در سطح نسبتاً بالایی قرار داشت، اما پس از آن به‌شدت کاهش یافته است. ایران از زمان آغاز محاصره سه نفتکش VLCC را بارگیری کرده و دو نفتکش دیگر نیز در مسیر جزیره خارگ هستند، اما تاکنون نفتکش حامل نفت ایران موفق به عبور از محدوده محاصره نشده است. ایران در ماه مارس حدود ۱۸۵ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌کرد که عمدتاً از جزیره خارگ انجام می‌شد. به نظر می‌رسد محاصره امریکا تا حد زیادی در جلوگیری از رسیدن نفت ایران به بازارهای آسیایی موثر بوده است. در صورت ادامه این وضعیت، شرکت ملی نفت ایران ناچار خواهد شد تولید را کاهش دهد، زیرا در غیر این صورت ظرفیت ذخیره‌سازی به سرعت پر می‌شود. برآورد ما این است که حدود ۴۰ میلیون بشکه ظرفیت ذخیره‌سازی خالی، عمدتاً در خارگ و عسلویه، وجود دارد. در نتیجه، این محاصره احتمالاً به کاهش تولید منجر خواهد شد، مشابه آنچه در دوره تحریم‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ و پس از خروج امریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ مشاهده شد. افزایش استفاده از یوآن در تجارت نفت نشان‌دهنده تلاش برخی کشورها برای کاهش وابستگی به دلار امریکا است، به‌ویژه در معاملاتی که با کشورهای تحت تحریم یا دارای حساسیت سیاسی انجام می‌شود. با این حال، یوآن هنوز جایگزین کاملی برای دلار نیست. این ارز از نظر نقدشوندگی، قابلیت تبدیل، عمق بازارهای مالی و پذیرش جهانی با دلار فاصله دارد. بنابراین، اگرچه استفاده از یوآن در معاملات دوجانبه و منطقه‌ای احتمالاً افزایش خواهد یافت، اما دلار همچنان در آینده ارز غالب در بازار جهانی نفت باقی خواهد ماند.

تازه آغاز بحران قیمت در بازار نفت است

شرکت انی ایتالیا: تاثیر جنگ با ایران بر قیمت انرژی کم برآورد شده و تازه آغاز بحران قیمت است.

به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، شرکت نفتی ایتالیایی انی (Eni) اعلام کرد که جنگ ایران تأثیر عمیق‌تر و ماندگارتری بر قیمت نفت و گاز خواهد داشت و آنچه در حال حاضر در بازار قیمت‌گذاری می‌شود آغاز بحران جنگ با ایران است.

فرانچسکو گاتی، مدیر مالی انی، (Eni) گفت: این شرکت پیش‌بینی خود برای قیمت نفت برنت در سال ۲۰۲۶ را از ۷۰ دلار به ۸۳ دلار در هر بشکه افزایش داده است. همچنین پیش‌بینی قیمت گاز TTF هلند را از ۳۶ یورو به ۵۰ یورو در هر مگاوات ساعت ارتقا داده است. گاتی تأکید کرد: «این بحران صرفاً مساله آتش‌بس یا صلح نیست، بلکه بازسازی زیرساخت‌ها و تأسیسات تولیدی تعطیل شده در خاورمیانه نیز زمان‌بر خواهد بود.» شرکت انی (Eni) در گزارش خود سود خالص تعدیل شده سه‌ماهه نخست را ۱.۳ میلیارد یورو (۱.۵ میلیارد دلار) اعلام کرد که نسبت به ۱.۴ میلیارد یورو در مدت مشابه سال قبل کاهش داشته و از میانگین پیش‌بینی تحلیلگران (۱.۵ میلیارد یورو) کمتر است. اگرچه کسب‌وکار بالادستی این گروه از پیامدهای اولیه جنگ سود برد، اما بخش پالایش به دلیل کاهش ظرفیت بهره‌برداری نتوانست به‌طور کامل از افزایش قیمت محصولات بهره‌مند شود.

انی (Eni) همچنین برنامه بازخرید سهام خود در سال ۲۰۲۵ را از ۱.۵ میلیارد یورو (اعلام‌شده در ۱۹ مارس) به ۲.۸ میلیارد یورو افزایش داد. این افزایش تنها کمی بیش از دو هفته و نیم پس از حملات امریکا و اسراییل به ایران صورت گرفته است.

سهام انی (Eni) در بورس میلان با ۱.۱۴ درصد کاهش بسته شد، در حالی که پیش از انتشار نتایج، یک درصد افزایش یافته بود.

اخبار

احیای تولید نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس زمان‌بر است

بانک امریکایی گلدمن ساکس پیش‌بینی کرد که احیای تولید نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس به‌طور قابل توجهی زمان‌بر می‌شود.

به گزارش ایلنا از رویترز، گلدمن ساکس اعلام کرد که تولید نفت کشورهای حاشیه خلیج‌فارس که به‌دلیل جنگ امریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران به‌شدت کاهش یافته است، احتمال دارد ظرف چند ماه پس از رفع کامل اختلال تردد از تنگه هرمز تا حد زیادی بهبود یابد، اما این موضوع می‌تواند به‌طور قابل توجهی بیش از این زمان‌بر باشد.

براساس برآوردهای این بانک امریکایی، روزانه حدود ۱۴ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه از تولید نفت خام خلیج‌فارس، حدود ۵۷ درصد از عرضه پیش از آغاز جنگ علیه ایران، در ماه آوریل متوقف شده که تا حد زیادی در پی توقف‌های احتیاطی تولید و تلاش برای مدیریت ذخیره‌سازی‌ها و نه آسیب فیزیکی به میدان‌های نفتی رخ داده است. در حالت عادی حدود یک‌پنجم از محموله‌های نفت خام و گاز طبیعی مایع‌شده (ال‌ان‌جی) جهان از تنگه هرمز می‌گذرد، بنابراین اختلال بلندمدت تردد از این گذرگاه راهبردی پیامدهایی قابل توجه برای بازارهای جهانی انرژی دارد. گلدمن ساکس در یک یادداشت پژوهشی اعلام کرد که رفع کامل اختلال تردد از تنگه هرمز و نبود حمله‌های دوباره به زیرساخت‌های نفتی، امکان احیای سریع تولید را فراهم می‌کند که این موضوع با پشتیبانی ظرفیت اضافه تولید در عربستان سعودی و امارات متحده عربی همراه خواهد بود. با این حال هرگونه بهبود در تولید تحت‌تأثیر لجستیک و عملکرد چاه‌ها قرار خواهد گرفت. گلدمن ساکس همچنین اعلام کرد که ظرفیت نفتکش‌های خالی موجود در خلیج‌فارس حدود ۱۳۰ میلیون بشکه یا ۵۰ درصد کاهش یافته است که سرعت انتقال نفت از سوی تولیدکنندگان را پس از آغاز دوباره صادرات محدود می‌کند. توقف طولانی‌مدت تولید در چاه‌های نفتی خطر کاهش مقدار تولید، به‌ویژه در مخازن کم‌فشار را به‌همراه دارد و نیاز به انجام تعمیرات اساسی پیش از احیای کامل تولید را ایجاد می‌کند. براساس اعلام گلدمن ساکس، هرچه تولید نفت بیشتر محدود بماند، احتمال می‌رود روند بهبود کندتر باشد.

این بانک امریکایی اعلام کرد که چشم‌انداز بهبود روند تولید در کشورهای مختلف متفاوت است، به‌طوری که عراق به‌دلیل ویژگی‌های مخزن و چالش‌های زیرساختی با خطر بیشتری روبه‌روست، در حالی که عربستان سعودی می‌تواند تولید را سریع‌تر افزایش دهد.

بنا بر گزارش گلدمن ساکس، میانگین برآورد آژانس‌های خارجی نشان می‌دهد تولیدکنندگان حاشیه خلیج‌فارس می‌توانند حدود ۷۰ درصد از تولیدازدست‌رفته را ظرف سه ماه و حدود ۸۸ درصد را ظرف ۶ ماه بازیابی کنند. این بانک امریکایی همچنین هشدار داد توقف بلندمدت تولید، خطر آسیب پایدار به عرضه را افزایش می‌دهد.

گام بلند سوریه، اردن و لبنان برای احیای خط لوله گاز عربی

نمایندگان وزارتخانه‌های انرژی سوریه، اردن و لبنان در نشستی سه‌جانبه، نقشه‌راه عملیاتی برای فعال‌سازی مجدد «خط لوله گاز عربی» را بررسی کردند. به گزارش ایلنا، نشست سه جانبه مقامات سوری، اردنی و لبنانی که با هدف تأمین انرژی موردنیاز لبنان و تقویت پایداری شبکه برق سوریه صورت گرفت، نشان از تحرکات جدید این کشورها برای تحقق تکامل اقتصادی در حوزه انرژی منطقه است. در این نشست که به صورت ویدیو کنفرانس برگزار شد، جدول زمانی نهایی برای آغاز عملیات پمپاژ آزمایشی مورد بحث قرار گرفت و «غیاث دیاب»، معاون وزیر انرژی سوریه در امور نفت، تأکید کرد: شبکه انتقال سوریه پس از انجام آزمایش‌های فنی لازم در مسیر مرز اردن تا مرز لبنان، اکنون در بالاترین سطح آمادگی قرار دارد. وی با اشاره به ابعاد استراتژیک این پروژه، آن را شریان حیاتی منطقه توصیف کرد که جایگاه محوری سوریه را به عنوان مسیر امن و پایدار ترانزیت انرژی تثبیت می‌کند. این تحرک دیپلماتیک در حالی صورت می‌گیرد که پیش از این، «محمد البشیر»، وزیر انرژی سوریه، از بهبود نسبی پایداری شبکه برق در اکثر مناطق این کشور در پی از سرگیری پمپاژ گاز از مسیر اردن خبر داده بود.

پروژه «خط لوله گاز عربی» که از مصر آغاز شده و با عبور از اردن و سوریه به لبنان می‌رسد، یکی از مهم‌ترین پروژه‌های زیربنایی مشترک در جهان عرب محسوب می‌شود.

باوجود این، احیای کامل این پروژه با چالش‌های جدی از جمله تأمین منابع مالی برای بازسازی زیرساخت‌هایی روبه‌رو است که در جریان بحران سوریه تا ۷۰ درصد آسیب دیده‌اند.

پیش از این، گزارش روزنامه «فایننشال تایمز» نیز اشاره کرده بود که بخشی از گاز پمپاژ شده از این خط لوله ممکن است منشأ اسراییلی داشته باشد؛ چراکه اردن برای تأمین بخشی از نیازهای خود به گاز وارداتی از میدان «لویاتان» اسراییل وابسته است در حالی که این موضوع پرسش‌هایی را درباره منابع واقعی گازی که قرار است از خاک سوریه عبور کند، برانگیخته است.

با این حال، مقامات هر سه کشور امیدوارند با نهایی شدن مراحل فنی و لجستیکی در هفته‌های آتی، آغاز پمپاژ آزمایشی گاز بتواند بحران فلج‌کننده انرژی در لبنان را کاهش دهد و پایداری شبکه برق در سوریه را تضمین کند.